

The Impact of Political Factors on State Fragility and the Growth of Extremism in West Africa: A Case Study of the Sahel Region (Mali, Burkina Faso, and Niger)*

Reza khorasani², Hamid Alizadeh lisar³

DOI: [10.48308/piaj.2024.237345.1601](https://doi.org/10.48308/piaj.2024.237345.1601) Received: 2024/10/24 Accepted: 2024/12/18

Original Article

Extended Abstract

Introduction: State fragility in African countries is a critical and pressing issue, particularly in the Sahel and West Africa region. Countries such as Mali, Burkina Faso, and Niger have become emblematic of fragile states due to a combination of internal challenges and the influence of regional and international intervening powers. This fragility has created conditions conducive to the growth and expansion of extremist organizations like ISIS and Al-Qaeda. One significant contributor to state fragility is political instability. Over the past four years (2020–2024), these three West African countries have experienced recurrent political crises. Key political indicators of fragility include weakened government legitimacy, failure to provide public services, violations of human rights, and the erosion of the rule of law. Additionally, the West African region has been a hotspot for terrorist activity. The operations of Al-Qaeda and ISIS affiliates in the Sahel countries have steadily expanded, undermining the stability of governments in this region. Many Sahel governments struggle to effectively control their territories, with some being classified as “failed states.” Political crises in the region are further exacerbated by ethnic and cultural pluralism, weak national identity, failures in nation-building, and disputes over the distribution of resources and justice. The emergence of weak and fragile states in West Africa has triggered crises that extend beyond their borders, affecting neighboring countries and adjacent regions. A central issue in fragile states is

*.Thesis extract article, title: The Interplay of Extremist Movements and State Fragility in West Africa, A case study of Mali, Burkina Faso, and Niger, supervisor: Reza Khorasani, advisor: Rouhollah Talebi Arani, Master's degree, Political Science, Defense History, 16/09/2024, excellent grade.

2. Assistant Professor, Department of Political Science and International Relations, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. (Corresponding author). r_khorasani@sbu.ac.ir

3. MA in Political Science, faculty of Economics and Political Science, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. h.alizadehlisar@mail.sbu.ac.ir



the crisis of authority, which is closely tied to ethnic, tribal, and religious divides. These divisions often fuel coups and intensify the activities of extremist group. This research seeks to explore the relationship between key political indicators of state fragility and the growth of terrorism. Its aim is to establish or refute the existence of a link between these phenomena.

Methods: The study employs a descriptive-analytical approach, relying on library resources and the conceptual framework of state fragility to analyze the subject.

Results and discussion: The findings reveal that governments in West African countries, particularly Mali, Burkina Faso, and Niger, lack the capacity to ensure security and stability within their societies. These governments are plagued by political crises, including diminished legitimacy, inadequate public services, human rights violations, and weak adherence to the rule of law. Extremist groups, such as affiliates of Al-Qaeda and ISIS, as well as separatist movements, have exploited the political vacuum created by fragile states in the region. These groups have expanded their activities, leveraging the lack of effective governance to ensure their survival and growth.

Conclusion: Governments in this region are continuously confronted with the threat of political instability. The activities of fundamentalist movements are among the most significant factors contributing to political crises and the fragility of governments in this area. Analyzing the state-building crisis, particularly in the Sahel region of Africa, reveals that the failure of state-building and the inability to transition from governmental fragility are linked to four key factors: persistent disputes over power, intense struggles for political dominance, loss of trust in political leadership, and the subsequent breakdown of the political socialization process.

Keywords: State fragility, West Africa, extremist currents, political index, Mali, Burkina Faso, Niger.

Citation: Khorasani, Reza & Alizadeh Iisar, Hamid. 2024. The Impact of Political Factors on State Fragility and the Growth of Extremism in West Africa: A Case Study of the Sahel Region (Mali, Burkina Faso, and Niger), *Political and International Approaches*, Winter, Vol 16, No 4, PP 26-50.



تأثیر عوامل سیاسی در شکنندگی دولت‌ها و رشد گروه‌های افراط‌گرا در غرب آفریقا؛ مطالعه موردی: منطقه ساحل آفریقا (مالی، بورکینافاسو و نیجر)*

رضا خراسانی^۱ و حمید علیزاده لیسار^۲

DOI: [10.48308/piaj.2024.237345.1601](https://doi.org/10.48308/piaj.2024.237345.1601)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۸/۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۹/۲۸

مقاله پژوهشی

چکیده مبسوط

مقدمه و اهداف: شکنندگی دولت‌ها در کشورهای آفریقایی یک معضل اساسی و حیاتی است. منطقه ساحل غرب آفریقا و به طور مشخص کشورهای مالی، بورکینافاسو و نیجر به عنوان دولت شکننده برخاسته از عوامل درونی و نقش آفرینی قدرت‌های مداخله‌گر منطقه‌ای و بین‌المللی، فرصت‌های مناسبی برای رشد و گسترش سازمان‌های بنیادگرای داعش و القاعده فراهم ساخته است. از دلایل مهم شکنندگی دولت‌ها در این منطقه عوامل سیاسی است، این سه کشور آفریقایی در منطقه غرب آفریقا، در چهار سال گذشته (۱۳۹۹-۱۴۰۳) با بحران‌های متعدد سیاسی روبه‌رو بوده است. شاخص‌های سیاسی شامل مشروعیت دولت، ارائه خدمات عمومی، حقوق بشر و حاکمیت قانون می‌باشد. از طرفی منطقه غرب آفریقا مستعد فعالیت گروه‌های تروریستی بوده، به طوریکه دامنه فعالیت گروه‌های وابسته به القاعده و داعش در سه کشور منطقه ساحل آفریقا روز به روز افزایش پیدا کرده و دولت‌های مستقر در این منطقه را با چالش شکنندگی روبه‌رو کرده است. برخی از دولت‌های منطقه ساحل آفریقا، ناتوانی آشکاری در کنترل قلمرو خود به طور جدی دارند. بطوریکه می‌توان آنها را به عنوان «دولت شکست خورده» طبقه‌بندی کرد. دولت‌های مستقر در کشورهای این منطقه اغلب دچار بحران‌های سیاسی و بی‌ثباتی سیاسی هستند. از جمله عوامل سیاسی که موجب شکنندگی دولت‌ها در این منطقه شده عبارتند از کثرت‌گرایی قومی و فرهنگی، ضعف عرق ملی و عدم موفقیت در دولت-ملت‌سازی، بحران توزیع و عدالت هستند.

* مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان: «تأثیر متقابل جریان‌های افراط‌گرا و شکنندگی دولت در غرب آفریقا، مطالعه موردی کشورهای مالی، بورکینافاسو و نیجر به راهنمایی آقای دکتر رضا خراسانی و مشاور آقای دکتر روح‌اله طالبی آرانی است. تاریخ دفاع، ۱۴۰۳/۰۶/۲۳، درجه عالی.

۲. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).
r_khorasani@sbu.ac.ir

۳. کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی، دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. h.alizadeh@sbu.ac.ir
lisar@mail.sbu.ac.ir



ظهور دولت‌های ضعیف و شکننده در منطقه غرب آفریقا طی دهه‌های اخیر موجب شکل‌گیری بحران‌های مسری به کشورهای همسایه و مناطق مجاور گشته است. وجود بحران‌های چندگانه و در رأس آنها بحران اقتدار در دولت‌های شکننده در ارتباط با شکاف‌های قومی-قبیله‌ای و شکاف‌های مذهبی در درون این نوع از دولت‌ها به فعال‌تر شدن این شکاف‌ها و در نتیجه شکل‌گیری پدیده کودتا و فعال‌تر شدن گروه‌های افراطی در آن کشورها شده است. در این پژوهش سعی شده رابطه شاخص‌های سیاسی تأثیرگذار در شکنندگی دولت‌ها با رشد تروریسم مورد بررسی قرار گیرد تا رابطه موجود میان آنها اثبات یا رد شود.

روش: برای پرداختن به موضوع پژوهش از منابع کتابخانه‌ای و با استفاده از چارچوب مفهومی شکنندگی دولت‌ها به توصیف و تحلیل موضوع پرداخته شده است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش عبارتند از دولت‌های کشورهای غرب آفریقا، بویژه کشورهای مورد مطالعه، فاقد ظرفیت تأمین امنیت در جوامع خود هستند و از بحران‌های سیاسی (مشروعیت، ارائه خدمات عمومی، حقوق بشر و حاکمیت قانون) رنج می‌برند. گروه‌های افراط‌گرا (وابسته به القاعده و داعش، گروه‌های جدایی طلب) از خلاء سیاسی دولت‌های شکننده در این منطقه استفاده کرده و برای حفظ بقای خود، فعالیتشان را گسترش داده‌اند.

نتیجه‌گیری: دولت‌های این منطقه، به طور مداوم با خطر بی‌ثباتی سیاسی مواجه هستند. به طوریکه فعالیت جریان‌های بنیادگرا یکی از مهم‌ترین عواملی است که موجب بحران‌های سیاسی و شکنندگی دولت‌ها در این منطقه شده است. با تجزیه و تحلیل بحران دولت‌سازی بویژه در کشورهای منطقه ساحل صحرای آفریقا، این نتیجه حاصل می‌شود که عدم موفقیت دولت‌سازی و عبور از شکنندگی دولت‌ها به چهار عامل مرتبط است که حول محور اختلاف بر سر قدرت، مبارزه برای قدرت، از دست دادن اعتماد به رهبری سیاسی و سپس فقدان فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی است.

واژگان کلیدی: شکنندگی دولت، غرب آفریقا، جریان‌های افراط‌گرا، شاخص سیاسی، مالی، بورکینافاسو، نیجر.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

استناددهی: خراسانی، رضا و علیزاده لیسار، حمید. ۱۴۰۳. تأثیر عوامل سیاسی در شکنندگی دولت‌ها و رشد گروه‌های افراط‌گرا در غرب آفریقا؛ مطالعه موردی: منطقه ساحل آفریقا (مالی، بورکینافاسو و نیجر)، رهافت‌های سیاسی و بین‌المللی، زمستان، سال ۱۶، شماره ۴، ۵۰-۲۵.



۱. مقدمه

غرب آفریقا صحنه تحولات جدید بین‌المللی بوده است. با شروع کودتاها از سال ۱۳۹۹ علیه دولت‌های پیشین که وابسته به فرانسه بودند، تحولات جدیدی در این منطقه رقم خورده است. روسیه با هدف ضربه زدن به منافع فرانسه در سه کشور مالی، بوركینافاسو و نیجر، از کودتاهای نظامی در این کشورها حمایت همه‌جانبه کرد. در نهایت با نقش‌آفرینی روسیه به عنوان بازیگر کلیدی در سه کشور آفریقایی، خروج فرانسه از این کشورها به صورت دومینووار اتفاق افتاد. این رویدادها موجب شد تا زمینه همکاری کشورهای همچون روسیه، چین، ترکیه و ایران با سه کشور غرب آفریقا فراهم شود. بنابراین، قبل از هرگونه همکاری مستقیم سیاسی، اقتصادی و امنیتی، شناخت تحولات داخلی این سه کشور، لازم و ضروری است و از آنجایی که از لحاظ ژئوپلیتیکی، سه کشور با هم مرز مشترک داشته و هر سه دارای بحران‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی مشترک بودند، سعی شده تا هر سه کشور در این پژوهش مورد تحلیل و ارزیابی قرار بگیرد.

در سراسر منطقه غرب آفریقا بویژه کشورهای مالی، بوركینافاسو و نیجر بمانند بشکه باروتی می‌ماند که هر روز و هر لحظه در حال انفجار است و تلفات انسانی بسیاری را این کشورها به دلیل فعالیت گروه‌های افراط‌گرا متحمل می‌شوند. در یک جمله می‌توان گفت این منطقه جزء بی‌ثبات‌ترین مناطق جهان است. ناآرامی‌ها سیاسی، اقتصادی و اجتماعی چشم‌انداز صلح و ثبات و توسعه را در این منطقه کمرنگ نموده است. کشورهای مالی، بوركینافاسو و نیجر با بحران‌های متعددی روبه‌رو هستند. این بحران‌ها موجب شکنندگی دولت‌ها در این منطقه شده است.

از شاخص‌های شکنندگی دولت‌ها، وجود تلقی مجرمانه و مشروعیت‌زدایی از دولت است. تنش‌های قومی فعال و پویا در کشورهای مالی، بوركینافاسو و نیجر نیز نشان از عدم حاکمیت قانون و مشروعیت دولت‌ها در این منطقه از آفریقا دارد. از طرفی هم تنش‌های قومی موجود در این کشورها موجب گسترش فعالیت گروه‌های افراط‌گرا در منطقه ساحل آفریقا شده است.

بنابراین، کشورهای ساحل و صحرا از شکنندگی رنج می‌برند زیرا قادر به تامین تمام نیازهای اساسی شهروندان خود نیستند. صلح و دستیابی به اهداف توسعه بلندمدت در این منطقه، منوط به رسیدگی محرک‌های اصلی بحران‌هایی است که بر منطقه ساحل تأثیر می‌گذارند (موقع المرکز العالمی لمکافحة الفکر المتطرف، ۲۰۲۱). یکی از مهمترین بحران‌ها و عواملی که زمینه عضوگیری گروه‌های افراطی و شکنندگی دولت را فراهم می‌کند، بحران‌های سیاسی است که در این پژوهش به بررسی تأثیر و تأثر عوامل و شاخص سیاسی خواهیم پرداخت. بدین سان مساله اساسی پژوهش این است که از لحاظ سیاسی چه عواملی موجب شکنندگی دولت‌ها و رشد گروه‌های تروریستی در منطقه غرب آفریقا بویژه منطقه ساحل شده است؟

۲. چارچوب مفهومی

این پژوهش با استفاده از چارچوب مفهومی شکنندگی دولت‌ها و شاخص سیاسی به توصیف و تحلیل موضوع پژوهش پرداخته است. از این رو با استفاده از شاخص سیاسی شکنندگی دولت از جمله مشروعیت، ارائه خدمات عمومی، حقوق بشر و حاکمیت قانون در پی بررسی تأثیر آن بر کشورهای منطقه ساحل همچون بورکینافاسو، مالی و نیجر و بروز تهدیدهای امنیتی جریان‌های سلفی-تکفیری در منطقه غرب آفریقا است.

در این مقاله به منظور بررسی وضعیت شکنندگی در کشورهای بورکینافاسو، مالی و نیجر از شاخص‌های مرکز بنیاد صلح^۱ استفاده می‌شود که بر اساس چهار شاخص اصلی انسجام، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و دوازده شاخص زیر مجموعه فشارهای جمعیتی، آوارگان، اعتراضات گروهی، مهاجرت و فرار مغزها، توسعه نامتوازن، زوال اقتصادی، مشروعیت‌زدایی از دولت، خدمات عمومی، حقوق بشر، وضعیت امنیتی (نیروهای نظامی خودگردان)، تفرق جناح‌بندی نخبگان و مداخله خارجی بررسی می‌شود.^۲

جدول شماره ۲: شاخص دولت‌های شکننده (Fragile States Index, 2024)

شاخص انسجام			شاخص اقتصادی			شاخص سیاسی			شاخص امنیتی		
اعتراضات گروهی	چنددستگی نخبگان	ساختار امنیتی	مهاجرت نیروی انسانی و فرار مغزها	توسعه اقتصادی نامتوازن	افول اقتصادی و فقر	حقوق بشر و حاکمیت قانون	خدمات عمومی	مشروعیت دولت	فشارهای جمعیتی	پناهجویان و آوارگان درون مرزها	مداخلات خارجی

صندوق صلح از سال ۲۰۰۵ هر ساله فهرستی برای ارزیابی آسیب‌پذیری کشورها بر اساس شاخص دولت‌های شکننده منتشر می‌کند. این رتبه‌بندی بر اساس مجموع نمرات ۱۲ شاخص است هر شاخص در مقیاس ۰-۱۰ نمره‌گذاری می‌شود، صفر با کمترین شدت (بائبات‌ترین) و ۱۰ با بالاترین شدت (بی‌ثبات‌ترین). دامنه کلی مقیاس از ۰ تا ۱۲۰ است. این شاخص ۱۷۹ کشور را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. این ۱۲ شاخص به طور کلی در چهار دسته زیر تقسیم می‌شوند: دولت‌های شکننده به دلیل عدم توانایی در برقراری امنیت، صلح و ثبات در کشور اغلب در کشمکش به سر می‌برند، در معرض خطر بی‌ثباتی و

1. The Fund for Peace

2. <https://fragilestatesindex.org/indicators/>

درگیری هستند، مانند وضعیت کنونی که در لیبی، سومالی، سودان، مالی، بوركینافاسو و نیجر در جریان است؛ بنابراین، در ادامه به بررسی شاخص جهانی رتبه شکنندگی دولت‌ها در کشورهای مالی، بوركینافاسو و نیجر از سال ۲۰۱۱-۲۰۲۳ پرداختیم.

۳. پیشینه پژوهش

از میان منابع داخلی و خارجی که به موضوعات دولت‌های شکننده و گروه‌های افراطی پرداخته‌اند، مهم‌ترین آنها را شناسایی کرده و به اهم نکات و یافته‌های پژوهش‌ها اشاره شده است.

۳-۱. پیشینه در داخل کشور

۱. کتاب دولت‌های شکننده (جامعه‌شناسی جنگ و منازعه در دنیای مدرن) (۱۳۹۴) ترجمه احمد رشیدی، این کتاب ریشه‌های جنگ و خشونت در دولت‌های شکننده را از زوایای مختلف مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. با این حال تأکید اصلی کتاب این است که عوامل سیاسی در ایجاد خشونت نقش مهم‌تری دارند. در این چارچوب بر روی رفتارهای نخبگان و ویژگی‌های ساختاری دولت‌های شکننده و تعامل آنها با یکدیگر تمرکز می‌کند. فقدان انحصار کارآمد برای اعمال قدرت مشروع راه را برای توسل به خودیاری باز می‌کند که این موجب ناامنی و ناامنی نیز منجر به اتخاذ سیاست‌هایی می‌گردد که مبتنی بر قبیله‌گرایی، حامی‌پروری و کسب پشتیبانی از طریق بسیج هویت‌های قومی یا مذهبی می‌باشد. در این کتاب با مطالعه موردی کشورهای کنگو، هائیتی و افغانستان مشکل انحصار خشونت به عنوان مهم‌ترین مؤلفه در تداوم شکنندگی این دولت‌ها در نظر گرفته شده و سپس نقش عوامل مختلف از قبیل شکاف‌های قومی و مذهبی، موقعیت ژئوپلیتیکی، استعمارگرایی و دخالت‌های خارجی نیز در مقام عوامل ثانویه و تأثیر گذار در تضعیف مشروعیت دولت و تشدید بحران مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

۲. محمود یزدان فام در مقاله «دولت‌های شکننده و امنیت انسانی» (۱۳۹۰؛ نشان داده که چگونه بعد از جنگ سرد مفهوم دولت‌های شکننده به یکی از مفاهیم مهم سیاست بین‌الملل تبدیل شده و با مفهوم جدید امنیت انسانی مرتبط شده است. نویسنده مفهوم دولت‌های شکننده، شاخص‌های این نوع دولت‌ها و چگونگی پیدایش و پیامدهای آنها بر امنیت انسانی را بررسی کرده و چگونگی به خطر افتادن امنیت انسانی و سازوکار تأثیرگذاری دولت‌های شکننده بر آن را به تفصیل بیان کرده است. او معتقد است دولت‌های شکننده، به دلیل ناتوانی در ارائه خدمات عمومی و انجام کارکردهای رایج حکومتی در حوزه امنیت و توسعه به بحران امنیت انسانی در جوامع تحت حکومت خود دامن می‌زنند.

۳. رساله دکتری با عنوان «تبیین قلمرو گستره سازمان‌های بنیادگرا در دولت‌ای شکننده مطالعه موردی: داعش در شمال آفریقا»، توسط مجید رسولی در سال ۱۳۹۶ نگاشته شده است. در این پژوهش قلمرویی و قلمروگستره سازمان‌های بنیادگرای اسلامی در شمال آفریقا یکی از بحران‌های امنیتی عنوان شده که با برآمدن گروه موسوم به داعش در عراق و سوریه تحركات قلمرومحورانه این گروه در منطقه رقم خورد. از آنجایی که بیشتر حکومت‌های منطقه کمابیش درگیر تراکم بحران مشروعیت و نارضایتی عمومی بودند،

زمینه ظهور قلمروییابی سازمان‌های یاد شده فراهم شده بود. نویسندگان معتقد است که خلأ امنیتی و سیاسی موجود در کشورهای شمال آفریقا موجب گسترش فعالیت داعش شد.

۴. مسلم کرم‌زادی در پژوهشی با عنوان «تحول رویکردهای ایجاد صلح در دولت‌های شکننده پساجنگ» ۱۳۹۹، به بررسی رویکردهای اصلی ایجاد صلح در دولت‌های شکننده‌ای که جنگ داخلی را تجربه کرده‌اند، پرداخته است. از دیدگاه وی دولت‌سازی و افزایش ظرفیت‌های دولت برای انجام کارویژه‌های خود و حفظ صلح باید به صورت جدی مورد توجه قرار گیرد. به گونه‌ای که در نهایت با افزایش مشروعیت سیاسی و ظرفیت‌های نهادی دولت از ایجاد زمینه‌ی جنگ‌های جدید جلوگیری و تداوم صلح و ثبات سیاسی تضمین شود.

۳-۲. پیشینه خارج از کشور

۱. اینگو تراوشویزر و استیون ام. ماینر^۱ در کتاب «کشورهای شکست خورده و جوامع شکننده»^۲ ۲۰۱۴، با هدف بررسی عوامل مؤثر و ارزیابی تأثیر شکنندگی دولت‌ها بر امنیت منطقه آفریقا، تحلیل جامعی از شکنندگی دولت‌های حاکم در غرب آفریقا ارائه می‌دهند. پژوهش حاضر بر عوامل مختلفی از جمله، بی‌ثباتی اقتصادی، ناآرامی سیاسی، فساد و مسائل اجتماعی-فرهنگی که موجب شکنندگی دولت‌ها می‌شود، تمرکز دارد. علاوه بر این، بازتاب چنین شکنندگی بر وضعیت کلی امنیت مناطق آفریقایی مورد بررسی قرار گرفته است. بنابراین تحقیق پیش‌رو، درک روشنی از شکنندگی دولت‌ها و پیامدهای مستقیم آن بر وضعیت امنیتی در غرب آفریقا ارائه می‌دهد.

۲. پژوهشی با عنوان دولت‌های ورشکسته و ضعیف آفریقایی (مطالعه موردی؛ نیجریه)^۳ ۲۰۰۷؛ نوشته جان اومکا آکودا^۴ نگاشته که در دانشگاه کلن آلمان ارائه شده است؛ نویسندگان در این نوشتار معتقد است که عواملی همچون حضور بلند مدت استعمار، اختلافات دینی، قومی و قبیله‌ای، شکاف بین دولت و ملت، عدم توزیع عادلانه منابع بومی و در نهایت عدم مشروعیت حاکمان این کشورها منجر به فروپاشی و ضعیف شدن آنها شده است. جان اومکا کشور نیجریه را به عنوان شاهد مثال در این پژوهش انتخاب کرده و معتقد است که آنچه این کشور را به ورطه شکنندگی و سقوط کشانده وابستگی به موسسات مالی و اعتباری بین‌المللی به دلیل ضعف در منابع محلی و بومی جهت توسعه اقتصادی است به گونه‌ای که همین امر مقدمات مداخله در امور داخلی با توجه به بحران‌های اجتماعی این کشورها به ویژه نیجریه و چپاول منابع معدنی و نفتی این کشورها توسط آنها را فراهم آورده است. جان اومکا در این پژوهش نتیجه می‌گیرد که آن چه که نیجریه و کشورهای آفریقایی را می‌تواند از این وضعیت برهاند ایجاد الزامات حکومت‌داری خوب و استقرار دموکراسی است که منوط به دموکراتیزه‌سازی و احترام به حقوق بشر است.

۳. نهاد پژوهشی صندوق بین‌المللی پول با نظارت انریکه گلبارد^۵ کتاب «ایجاد تاب‌آوری در کشورهای

1. Ingo Tauschweizer & Steven M. Miner
2. "Failed States and Fragile Societies"
3. "The failure and collapse of the African state on the example of Nigeria"
4. John Emeka Akude
5. Enrique Gelbard.

شکننده آفریقای زیر صحرای^۱» ۲۰۱۵ را نوشته‌اند. در این کتاب کشورهای رواندا، موزامبیک، جمهوری دموکراتیک کنگو و آفریقای مرکزی، اتیوپی، مالی و سیرالئون مورد مطالعه قرار گرفته است. ریشه‌های شکنندگی این دولت‌ها بررسی شده است. همچنین شاخص‌های اقتصادی (تولید ناخالص داخلی و در آمد دولت) و شاخص‌های اجتماعی، شاخص‌های حاکمیت (سیاست تاب آوری و سیاست کلی دولت) در این کشورها مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته است. شکنندگی عمدتاً میراث درگیری داخلی تلقی می‌شود، اما ریشه شکنندگی عوامل دیگر هستند از جمله فقدان مشروعیت نهادهای دولتی، اقتصاد ضعیف و ناپایدار، زمینه سیاسی تفرقه‌انگیز و غیر فراگیر؛ بنابراین منابع بسیاری از شکنندگی وجود دارد که دولت‌های شکننده را در یک دایره باطل توسعه نیافتگی می‌اندازد.

۴. کتاب «دولت شکننده جامعه شناسی جنگ و دولت مدرن»، لوتار بروک و دیگران، ترجمه احمد رشیدی، ۱۳۹۴؛ این کتاب در ۱۵ جلد توسط ۱۸ نویسنده نوشته شده است. ضمن روشن کردن معنا و مفهوم دولت‌های شکننده و بیان ویژگی‌های آن در جهان معاصر، تاریخ تحول و توسعه‌ی آن‌ها را از دوره‌های پیشاستعماری تا به امروز مورد واریسی قرار می‌دهد و استدلال می‌کند بین کشورداری شکننده و گسترش منازعات خشونت‌آمیز ارتباط تنگاتنگی وجود دارد و در این میان مداخله‌های خارجی برای برون‌رفت از این مخمصه کارگشا نیستند. در این کتاب پیچیدگی‌های موفقیت تعدادی از کشورها در گذار از شکنندگی در کنار تجربه‌ی تلخ و پرمخاطره‌ی کشورهای فرومانده در چرخه‌ی شکنندگی و خشونت، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. همچنین شاخص‌های شکنندگی دولت‌ها به شکل موردی در چند کشور آورده شده که با تطبیق این ناکارآمدی‌ها با مصادیق ذکر شده، امکان تبیین بهتر ماهیت دولت شکننده وجود دارد. این کتاب گرچه در بحث تعریف و ماهیت دولت شکننده کارایی زیادی در تحقیق حاضر دارد.

۵. سباستین پامپ و جوئل ترکویتز^۲ در مقاله‌ای با عنوان «بررسی فساد در کشورهای شکننده^۳» کشورهای جنوب صحرای آفریقا^۴ را از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۰ بررسی کرده و عامل فساد را به عنوان عاملی مهم و تأثیرگذار بر شکنندگی دولت دانسته است. صندوق بین‌المللی پول به کشورهای شکننده جنوب صحرای آفریقا کمک می‌کند تا از طریق ارتقای چارچوب‌های اقتصاد کلان این کشورها به استانداردهای بین‌المللی، وضعیت کشورهای جنوب صحرا بهبود یابد و دسترسی به بازارهای بین‌المللی داشته باشند. همچنین این پژوهش به اقدامات حکمرانی و مبارزه با فساد در تعامل صندوق بین‌المللی پول با اعضا در طول دهه گذشته و تأکید فزاینده بر رویکردهای متناسب با کشور می‌پردازد.

هرچند مقالات و گزارش‌های داخلی و خارجی فوق در بحث تعریف و ماهیت دولت شکننده و گروه‌های اسلام‌گرا افراطی القاعده و داعش مهم هستند، اما به موضوع اصلی این پژوهش در سه کشور آفریقای نپرداخته‌اند. همچنین در بررسی‌های به عمل آمده در پژوهش‌های پیشین هیچکدام به‌طور جامع به مسأله مورد بررسی یعنی تأثیر شاخص‌های شکنندگی دولت‌ها بر جریان‌های مذهبی نپرداخته‌اند، اما

1. "Building Resilience in Sub-Saharan Africa's Fragile States"

2. Sebastiaan Pompe and Joel Turkewitz

3. "Addressing Corruption in Fragile Country Settings"

۴. آفریقای زیر صحرای (که معمولاً آفریقای سیاه نامیده می‌شود) از نظر جغرافیایی منطقه‌ای از قاره آفریقا است که در جنوب صحرا واقع شده است.

در این پژوهش عوامل سیاسی تأثیرگذار در رشد فعالیت‌های تروریستی منطقه غرب آفریقا مورد بررسی قرار گرفته است. بر این اساس، پژوهش حاضر بابتی جدید در چگونگی پرداختن به پیامدهای بحران سیاسی و رشد تهدیدهای تروریستی در دولت‌های شکننده باز کرده است.

۴. مفهوم شکنندگی دولت^۱

تعاریف دولت‌های شکننده متفاوت است، اما همه موافق این هستند که شکنندگی دولت با کمبود ظرفیت ارتباط مستقیم دارد. دولت‌های شکننده، دولت‌هایی هستند که توانایی تأمین امنیت اساسی شهروندان خود را ندارند، در ارائه خدمات اساسی و فرصت‌های اقتصادی ناتوان هستند و قادر به کسب مشروعیت کافی برای حفظ اعتماد و اطمینان شهروندان نیستند. دولت‌های شکننده دارای شهروندانی هستند که در گروه‌های قومی، مذهبی یا طبقاتی، با سابقه‌ی بی‌اعتمادی، نارضایتی و یا درگیری خشونت‌آمیز، قطبی شده‌اند. آنها فاقد ظرفیت همکاری، سازش و اعتماد هستند. وقتی این کمبود ظرفیت زیاد باشد، کشورها به سمت شکست، سقوط، بحران و درگیری حرکت می‌کنند (Brinkerhoff, 2010: 66).

بر اساس این ویژگی‌ها، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی دولت شکننده را «ناتوان در برآوردن انتظارات شهروندان و مدیریت تغییرها در مطالبات آنها و توانایی به انجام رساندن فرایندهای سیاسی می‌داند» (OECD, 2015). مبحث دولت‌های شکننده به شکل دقیق بعد از جنگ سرد مطرح و به آن دسته از تهدیدات جدید امنیتی اشاره داشت که در نتیجه‌ی منازعه‌ها، فروپاشی‌های اقتصادی و سیاست‌های شکست خورده‌ی دولت‌ها در لایه‌های اجتماعی کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین به وجود آمده بودند (Nuruzzaman, 2008: 2).

به طور کلی دولت‌های شکننده را می‌توان با ویژگی‌های مشترکی شناسایی کرد که عبارت است از افزایش سطح خشونت‌های سیاسی و جنایی، نبود کنترل بر مرزها، تنش‌های قومی، زبانی، دینی و فرهنگی، ساختارهای ارتباطی و حمل و نقل ضعیف، اقتصاد ضعیف و سطوح کم تولید ناخالص داخلی، سطوح بالای فساد، نظام سلامت ضعیف همراه با میزان زیاد مرگ و میر و کاهش امید به زندگی و فرصت‌های آموزشی محدود و میزان زیاد عملیات تروریستی (Country reports on Terrorism, 2012). ویژگی اساسی دولت‌های شکننده ناتوانی ساختاری آن در مقابل یک جامعه پرشکاف، دارای پیوندها و تعلقات درونی و شبکه‌های در هم تنیده‌ی محلی گرایانه و از سوی دیگر نفوذ پذیری بالای آن در برابر مداخله است. فقدان مشروعیت و عمق اجتماعی دولت و ضعف هویت ملی در مقابل تعلقات فروملی و فراملی باعث شکنندگی بالای ساخت دولت-ملت در چنین جوامعی می‌شود.

دولت‌های شکننده اغلب در شرایط ضعف ساختارهای حکمرانی، در یک محیط تاریخی و جغرافیایی پراکنده، پرشکاف و مستعد ستیزه عمل می‌کند که همین خود عاملی برای تضعیف بیشتر است. به همین دلیل این جوامع، همواره با چالش نیروهای برآمده از شکاف‌های قبیله‌ای، قومی-زبانی و مذهبی روبه‌رو هستند (Tibi, 1990:127-128). سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، دولت‌های شکننده را دولت‌هایی

1. Fragile state

می‌داند که با چالش‌های جدی سیاسی، امنیتی، توسعه و فقر روبه‌رو هستند (OECD, 2011). از دید وزارت توسعه‌ی بین‌المللی بریتانیا، دولت شکننده معمولاً فاقد ظرفیت یا در مواردی اراده‌ی سیاسی لازم برای تأمین امنیت، حکمرانی خوب، خدمات دولتی و رشد اقتصادی برای همه شهروندان خود است (DFID, 2005).

۴-۱. شاخص‌های شکنندگی دولت در غرب آفریقا

شاخص‌های شکنندگی دولت معیار و شاقول مناسبی است که واقعیت‌های زیادی را درباره کشورهای مورد مطالعه از لحاظ نظام سیاسی آشکار می‌کند. لذا در ادامه به بررسی رتبه شکنندگی دولت‌های مالی، بوركینافاسو و نیجر خواهیم پرداخت.

جدول شماره ۳: رتبه شکنندگی کشورهای مالی، بوركینافاسو و نیجر (Fragile States Index, 2024)

سال	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹	۲۰۲۰	۲۰۲۱	۲۰۲۲	۲۰۲۳
بوركینافاسو	۳۷	۴۱	۳۵	۳۹	۳۹	۴۱	۴۴	۴۵	۴۷	۳۷	۳۶	۲۹	۲۱
مالی	۷۶	۷۹	۳۸	۳۶	۳۰	۲۹	۳۱	۲۷	۲۱	۱۶	۱۹	۱۴	۱۴
نیجر	۱۵	۱۸	۱۸	۱۹	۱۹	۱۹	۲۰	۲۱	۱۸	۱۹	۲۱	۲۰	۱۹

اگر چه همه کشورها و دولت‌های جهان، حدی از ضعف و ناتوانی در تأمین و تحقق اهداف اصلی خود دارند تا کشور را از افتادن در ورطه شکنندگی برهانند، اما رتبه کشورهای مالی، بوركینافاسو و نیجر به نسبت سایر کشورها، رتبه‌ای قابل ملاحظه است. به طوریکه می‌توان این کشورها را مصداقی از یک دولت شکننده در نظر گرفت. با بررسی رتبه شکنندگی کشورهای مرکز ساحل آفریقا، از سال ۲۰۱۱-۲۰۲۳، وضعیت و رتبه کشور بوركینافاسو از رتبه ۴۷ تا ۲۱ نوسان داشته است. رتبه کشور مالی از رتبه ۷۹ تا ۱۴، به صورت سراسریی کمتر شده است. رتبه کشور نیجر از ۲۰ تا ۱۵ در سال‌های مختلف با اختلاف کمی تغییر کرده است. روند رو به نزول این کشورها، حاکی از این است که سه کشور مورد مطالعه در ردیف کشورهای شکننده قرار گرفته‌اند. در این سیر نزولی حرکت به سمت شکنندگی بیشتر، دلایل متعددی در حوزه داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی دخیل هستند که در ادامه به عوامل سیاسی و تأثیرگذار در شکنندگی دولت‌ها در این مناطق اشاره خواهیم کرد.

۵. عوامل سیاسی و تأثیرگذار در شکنندگی دولت‌ها در غرب آفریقا ۵-۱. بحران دولت‌سازی در منطقه ساحل آفریقا

در چهار سال گذشته، کشورهای مالی (۲۸ مرداد ۱۳۹۹ - ۳ خرداد ۱۴۰۰)، بوركینافاسو (۳ بهمن ۱۴۰۰ - ۸

مهر ۱۴۰۱) و نیجر (۴ مرداد ۱۴۰۲) شاهد کودتا بوده‌اند. این سه کشور بعد از کودتا همچنان توسط شورای نظامی اداره می‌شوند. رهبران نظامی کشورهای ساحل قبل از اینکه موفق شوند، دولت‌سازی را در این سه کشور شکل دهند، پا را فراتر گذشته و در ۱۶ تیر ۱۴۰۳، «کونفدرال کشورهای ساحل» را شکل داده‌اند، از آنجایی که منطقه ساحل آفریقا و بویژه کشورهای مالی، بورکینافاسو و نیجر، در روند دولت‌سازی با چالش‌های متفاوتی روبه‌رو بوده‌اند. لذا در این قسمت، بحران دولت‌سازی در سه کشور آفریقای مورد شناسایی و ارزیابی قرار خواهیم داد.

دولت‌سازی مهمترین اولویت پس از وقوع کودتا و مداخلات خارجی در جهت کاهش ناامنی اجتماعی و خشونت در یک کشور است؛ اما این روند در کشورهای مالی، بورکینافاسو و نیجر با شیوه‌ای که شورای نظامی مستقر در این کشورها در واگذاری قدرت دنبال کرده‌اند، هنوز محقق نشده و دلیل این عدم واگذاری قدرت به دلیل فعال بودن گروه‌های تروریستی-تکفیری در کشور عنوان شده است.

روند دولت‌سازی در سطح ژئوپلیتیک در آفریقا، به ویژه منطقه ساحل یک موضوع مهم و حیاتی است. از این‌رو، مشکل دولت‌سازی به عنوان یکی از مسائل عمده‌ای که کشورهای ساحل صحرا از آن رنج می‌برند، به شمار می‌رود. لذا روند دولت‌سازی در این منطقه به دلیل وجود استعمار، بحران‌های امنیتی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و عدم وجود اراده سیاسی قوی برای ساختن یک کشور دموکراتیک، با مشکل مواجه شده است (لعمیم، ۲۰۲۲: ۱۴۵).

شکندگی دولت، بحران دولت‌سازی را با خود به همراه می‌آورد. این بحران عامل تعیین‌کننده‌ای است که صلح و امنیت منطقه را تهدید می‌کند و فرصت‌ها را برای توسعه تضعیف می‌کند. بقایای میراث استعمار در منطقه ساحل و شکندگی دولت‌ها در این منطقه موجب شکست پروژه دولت‌سازی در کشورهای ساحل صحرا شده است. روند تشکیل دولت در آفریقا یکی از بحث‌برانگیزترین موضوعات سیاسی و توضیح و تبیین آن دشوار است، زیرا دولت‌شکندگی که با بحران دولت‌سازی مواجه است به منبع تهدیدی برای بسیاری از کشورهای آفریقای، تبدیل خواهد شد. دولت‌سازی فرآیندی پیچیده است که تمامی سطوح و ساختارهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را مورد هدف قرار می‌دهد (همان: ۱۴۸).

۵-۲. موانع دولت‌سازی در کشورهای ساحل (عوامل شکندگی دولت)

شاخص‌های شکندگی دولت معیار مناسبی هستند که به وسیله آن‌ها می‌توان کامیابی و یا ناکامی جوامع در دولت‌سازی مدرن را مورد ارزیابی قرار داد.

۵-۲-۱. کثرت‌گرایی قومی و فرهنگی

موضوعاتی همچون قومیت‌ها و خرده فرهنگ‌ها یا خرده ملت‌های درون یک کشور از عواملی هستند که زمینه مساعدی برای ایجاد پدیده شکندگی فراهم می‌کنند. اما اگر خرده ملت‌ها و قومیت‌ها چنانچه در یک فرایند صحیح ملت‌سازی در ترکیبی متوازن و معنا دار قرار گیرند، قدرت ملی یک کشور را افزایش

داده و از شکنندگی دولت جلوگیری می‌کنند. ظهور دولت مدرن آفریقایی به کنفرانس برلین (۱۸۸۴/۱۸۸۵) برمی‌گردد که بر اساس آن قدرت‌های استعماری اروپا، بدون دخالت ساختارهای محلی مرزها را در این منطقه تقسیم کردند و موجب تقسیم بسیاری از قومیت‌ها در این مناطق شدند. در نتیجه درگیری‌های داخلی در کشورهای ساحل آفریقا رقم خورد و مشکلات قومیتی در این مناطق شعله‌ور شد. بنابراین، تعدد قومیتی نتیجه به جا مانده از سیاست‌های استعماری اروپاست. پس از استقلال اکثر کشورهای منطقه ساحل و صحرا، به دلیل حاشیه‌نشینی و عدم رعایت عدالت نسبت به قومیت‌های منطقه، مبارزه با رژیم حاکم در این مناطق ادامه داشت.

تقسیم‌بندی مرزها توسط استعمارگران این منطقه^۱ بدون توجه به ساختار اجتماعی و تاریخی جوامع محلی، ساختار جوامع آفریقایی را بر هم زده است و گروه‌های قومیتی از هم جدا و پراکنده شده‌اند. به طوری‌که منجر به تنش دائمی در منطقه ساحل و صحرا شده است. بنابراین، حاکمیت دولت‌ها در این منطقه مبتنی بر گسترش فساد سیاسی و طرفداری سیاسی بر اساس منطق قبیله است و پیامد این وضعیت، ضعف عملکرد نهادی، ناتوانی در پیشگیری و حل تعارضات داخلی در این کشورها شده است (DU-MONT, 2010).

ساختارهای ضعیف اجتماعی و قبیله‌ای منطقه منجر به بحران‌های سیاسی و امنیتی بزرگی در منطقه ساحل صحرا شده و استعمارگران ساختارهای محلی کشورهای مالی و نیجر را تقسیم کرده‌اند. بطوریکه این کشورها با ناآرامی‌های قومی طوارق‌ها روبه‌رو شده‌اند. از این‌رو، سازمان‌های جهادی از این شرایط برای پیشبرد استراتژی‌های تروریستی خود سوء استفاده می‌کنند (لعمیم، ۲۰۲۲: ۱۵۰). تداوم درگیری‌های قومیتی و مذهبی بین شهروندان در کشورهای ساحل منجر به عضوگیری گروه‌های اسلام‌گرای افراطی شده است. گروه انصارالاسلام والمسلمین موفق به جذب اقلیت ازوادی در شمال و مرکز مالی شده است و به دنبال جذب قبایل دوگون است، در حالی که داعش به دنبال جذب فولانی و بامبارا است (عبد الحی عربی، ۲۰۲۳).

۵-۲-۲. ضعف عرق ملی و عدم موفقیت در دولت-ملت‌سازی

آفریقا به دلیل منابع انسانی (عصر برده داری) و معدنی (نفت و معادن) در طول چند دهه مورد توجه بازیگران بین‌المللی قرار گرفته و جاذبه‌های زیادی را به خود جلب کرده است. متعاقب آن، این قاره با چالش‌ها و تهدیداتی روبه‌رو شده که مشکلات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی با خود به همراه آورده است. در نتیجه خلاء امنیتی کودتاهای نظامی متوالی، جنگ‌های داخلی در این منطقه رخ داده است. ضعف حکمرانی و ضعف بافت اجتماعی پیامدهای فاجعه‌باری برای شرایط سیاسی و انسانی منطقه و همچنین برای ماهیت دولت مدرن در آفریقا به همراه داشته و این کشورها را با بحران توسعه روبه‌رو کرده است.

کشورهای آفریقایی پس از استقلال برای تحمیل هژمونی و ایدئولوژی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود برای ساختن دولت مدرن تلاش کردند، اما ویژگی‌های دوران استعمار (ظلم، زور و اجبار) را همچنان حفظ

۱. استعمارگران هنگام تعیین مرزهای جغرافیایی در منطقه ساحل، تنوع قومی و قبیله‌ای و ویژگی‌های جوامع آفریقایی را مورد توجه قرار نداده‌اند.

کردند، به ویژه نخبگان به جا مانده از دوران استعمار، الگو این دوران را در دستور کار خود قرار دادند. از طرفی جنبش‌های آزادی خواهانه بر اساس حفظ منافع اقتصادی و سیاسی دوران استعمار، خواستار استقلال شدند.

رابطه مردم ساحل آفریقا با دولت مرکزی در مقایسه با پیوندهای قبیله‌ای بسیار ضعیف است، به طوریکه، فرد موقعیت خود را در جامعه با تعلق به یک قبیله مشخص می‌کند، نه با تعلق به وطن (لعمیم، ۲۰۲۲: ۱۵۵). به همین دلیل، کشورهای غرب آفریقا، بویژه کشورهای مالی، بورکینافاسو و نیجر در ایجاد یک نهاد سیاسی که نیازهای اساسی مردم را برآورده سازد و در میان آنها مشروعیت داشته باشند، ناتوان هستند. عدم وجود امنیت، سیاسی شدن نهادهای امنیتی دولت، جنگ‌های داخلی، تمایلات جدایی طلبانه متوالی، فساد گسترده، زیرساخت‌های ضعیف و تمرکز قدرت در این منطقه باعث تقویت نقش قبایل شده است. در نتیجه تعلقات قبیله‌ای در میان مردم مالی، بورکینافاسو و نیجر نسبت به میهن دوستی و وطن پرستی^۱ بیشتر است که نشان دهنده ضعف نهادهای دولتی در ارتقاء اعتماد ملت به دولت و ناتوانی این دولت‌ها در تقویت وحدت میان دولت-ملت و دستیابی به حداقل سطوح اجماع سیاسی و اجماع داخلی در این کشورها است (همان: ۱۵۵).

۵-۲-۳. بحران مشروعیت سیاسی و نبود نظام‌های دموکراتیک

هر رژیم حاکم باید مشروعیت سیاسی داشته باشد تا بتواند، ۱. موجودیت خود را توجیه کند ۲. وظایف خود را انجام دهد ۳. در نظام بین‌الملل مؤثر باشد ۴. نیازهای شهروندان را در سطح داخلی برآورده سازد (لعمیم، ۲۰۲۲: ۱۵۶)، اما نهادها و سازمان‌های پیشین دولت در مالی، بورکینافاسو و نیجر در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ناتوان بودند. به همین دلیل، دولت‌های پیشین فاقد مشروعیت در میان شهروندان بودند چرا که این دولت‌ها در مواجهه با چالش‌ها، حکمرانی مناسبی نداشتند؛ بنابراین در سه کشور مذکور کودتاهای نظامی شکل گرفت.

شکندگی دولت و بحران دولت‌سازی تنها به میراث مرحله استعمار محدود نمی‌شود، بلکه به عملکرد سیستم‌های حکمرانی در کشورهای این منطقه در دوران پس از استقلال نیز مربوط می‌شود که با فساد و استبداد فراوانی همراه هستند. به طوریکه فساد و استبداد به مسائل حیاتی توسعه، مشارکت سیاسی و دستیابی به امنیت تأثیر منفی گذاشته و باعث وقوع جنگ‌های داخلی و کودتاهای نظامی در این کشورها شده است، عملکرد ضعیف در حکمرانی همچنین باعث ایجاد وضعیت تنش و بحران‌های سیاسی و انسانی و گسترش فقر، ناامیدی و تنش قومی، افراط‌گرایی مذهبی، جدایی و درگیری سیاسی در این مناطق شده است (لعمیم، ۲۰۲۲: ۱۵۹).

۵-۲-۴. بحران توزیع و عدالت (امکان استفاده برابر افراد جامعه از فرصت‌ها)

اگر در جامعه‌ای نابرابری‌های شدید طبقاتی حاکم باشد و امکان توزیع عادلانه‌ی منابع و فرصت‌ها وجود نداشته باشد، آن جامعه با بحران توزیع مواجه است. در کشورهای مالی، بورکینافاسو و نیجر بار محرومیت

1. Patriotism

بر دوش اکثر مردم است، زیرا به دلیل فقدان ثبات سیاسی و کودتاهای نظامی پی در پی و نبود برنامه‌های اقتصادی برای بهره‌برداری از این ثروت‌ها، از نظر اقتصادی عقب مانده‌اند. علاوه بر این، عدم صلاحیت دولت‌های پیشین، زیرساخت ضعیف و ناتوانی این دولت‌ها در حفظ ثبات کشور، تهدیدی برای امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی بوجود آورد که باعث بحران‌های مداوم (مهاجرت غیرقانونی، نافرمانی مدنی، شورش مداوم اقلیت‌ها و ظهور گرایش‌های جدایی‌طلبانه) در این سه کشور شد.

بحران توسعه در کشورهای مالی، بوركینافاسو و نیجر را می‌توان به فساد سیاسی ناشی از عدم وجود عدالت منطقه‌ای و توزیع نادرست مسئولیت‌های دولتی نسبت داد. دولت‌های پیش از کودتا، از قدرت و حکومت برای دستیابی به اهداف شخصی یا خدمت به اقلیت حاکم استفاده می‌کردند. در نتیجه اختلاف طبقاتی و اجتماعی در این سه کشور عمیق‌تر شد و فقر در این جوامع گسترش یافت. به همین دلیل، زمینه گسترش تفکر افراطی در این جوامع بوجود آمد.

۶. شاخص‌های سیاسی شکنندگی دولت‌ها در غرب آفریقا

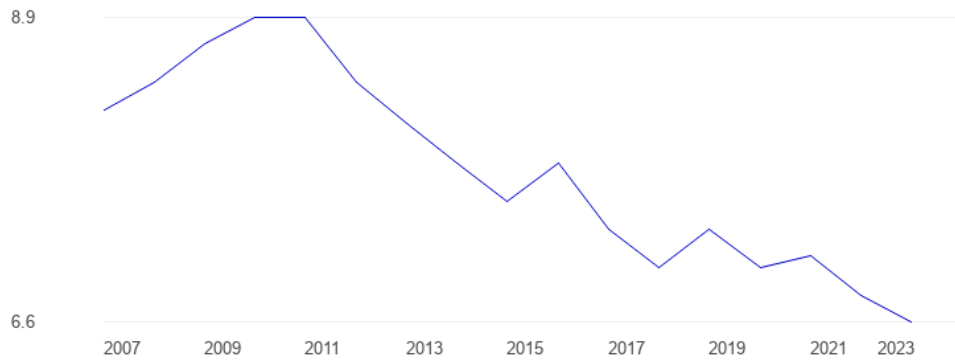
اگر کشورها ناکارآمدی سیاسی داشته باشند یعنی مشروعیت دولت، خدمات عمومی، حقوق بشر و حاکمیت قانون در کشورها حاکم نباشد، می‌توان گفت که این کشورها در زمینه سیاسی شکننده هستند و با بحران دولت‌سازی مواجه خواهند شد. در ادامه به بررسی هر کدام از ناکارآمدی‌های سیاسی دولت‌های مالی، بوركینافاسو و نیجر خواهیم پرداخت.

۶-۱. مشروعیت دولت

خلال دو دهه آخر قرن بیستم، کاهش مشروعیت یک مشکل بزرگ برای اکثر رهبران آفریقایی بود. همزمان با بحران مشروعیت، توانایی سرکوب دولت‌ها کاهش می‌یابد، در نتیجه دولت‌ها برای حفظ اقتدارشان بر روی مردم و سرزمین شان با مشکل مواجه می‌شوند (Thomson, 2006: 392). مشروعیت، جایگاه بالای حکومت در میان مردم را نشان می‌دهد. بحران مشروعیت زمانی اتفاق می‌افتد که پایگاه و اعتبار دولت در میان مردم از بین برود؛ به عبارت دیگر، زمانی که در کشوری کمی از مردم از دولت حمایت کنند و اکثریت مردم حقانیت دولت را برای اعمال زور زیر سؤال ببرند، در آن کشور بحران مشروعیت بوجود آمده است (Hoffman, 2007: 92-93).

خطر درگیری و خشونت در دولت‌های شکننده نسبت به سایر کشورهای در حال توسعه بیشتر است. شکنندگی و فقر به تنهایی لزوماً منجر به درگیری نمی‌شود، اما درآمد کم، بیکاری و دولت ناکارآمد می‌تواند محیطی را برای خشونت ایجاد کند (Collier, 2007: 27). شاخص مشروعیت دولت، دولتی مشروع است که رابطه‌اش با شهروندان باز باشد. این شاخص به سطح اعتماد مردم به نهادها و فرآیندهای دولتی می‌پردازد. از طرفی بی‌اعتمادی مردم نسبت به دولت که از طریق تظاهرات عمومی گسترده، نافرمانی مدنی پایدار، یا افزایش شورش‌های مسلحانه آشکار می‌شود را ارزیابی می‌کند. هر چه ارزش این شاخص بیشتر باشد، مشروعیت کشور کمتر است (Theglobeconomy, J).

شاخص مشروعیت دولت کشور نیجر از سال ۲۰۰۲-۲۰۲۳

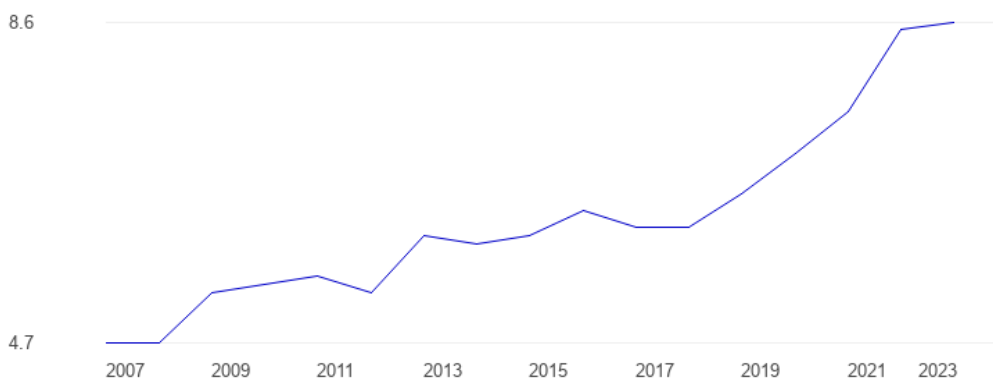


در نتیجه ناتوانی ارتش نیجر در محافظت مؤثر از کشور در برابر افراط‌گرایان تندرو، بخش‌های بزرگی از جمعیت این کشور اعتماد خود را به دولت از دست داده‌اند. شرایط اقتصادی وحشتناک نیز به مخالفت گسترده با دولت کمک کرده است (Cafiero, 2023).

شاخص مشروعیت دولت کشور بوركینافاسو از سال ۲۰۰۲-۲۰۲۳



شاخص مشروعیت دولت کشور مالی از سال ۲۰۰۲-۲۰۲۳



از دیگر عوامل رشد افراط‌گرایی مذهبی و عضوگیری گروه‌هایی مانند داعش در نیجر، مالی، بوركینافاسو و چاد، فقدان مشروعیت حکومت‌هاست. این حکومت‌ها چه زمانی که دولتهای غیرنظامی قدرت را در دست دارند و چه زمانی که غیرنظامیان، بر تخت قدرت اریکه زده‌اند، فاقد پشتوانه قوی مردمی و مشروعیت لازم هستند. زیرا به دلیل عدم کارایی و بخصوص فساد در حیطه اجرایی و ناتوانی در حل مشکلات مردم، نمی‌توانند حکومتی مشروع و مورد تایید و رضایت مردم قلمداد شوند. در چنین شرایطی، توده‌های مردم خود غرب آفریقا و منطقه ساحل، خود را از حکومت بیگانه می‌دانند و این امر فرصت مناسبی برای گروه‌هایی مانند داعش است تا شهروندان و بخصوص جوانان این کشورها را جذب کنند.

۱-۱-۶. وجود تلقی مجرمانه از دولت و مشروعیت‌زدایی از آن

در طول چهار سال گذشته، ارتش در منطقه غرب آفریقا، به ویژه در کشورهای مالی، بوركینافاسو و نیجر به دلیل شکنندگی دولت‌ها و حکومت‌های این کشورها، توانست کودتا را سازمان‌دهی و موفق به سقوط حکومت (قوه مجریه) در این کشورها شود، چرا که دولت‌ها پیش از این، فاسد و در تأمین امنیت ناتوان بودند. شکنندگی دولت‌ها خلأ ایجاد کرد تا ارتش بتواند به عنوان بازیگری داخلی و قابل اعتماد، خود را به عنوان جایگزینی بهتر برای حل مشکلات کشور معرفی کند که نظم و ثبات را برای مردم این کشورها به ارمغان خواهد آورد (Obisie-Orlu, 2022).

در غیاب «حکمرانی مطلوب یا حکمرانی خوب»، کشورهای مالی، بوركینافاسو، که آسیب‌پذیرند در معرض کودتا قرار می‌گیرند. روچ کریستین کابوره، رئیس‌جمهور سابق بوركینافاسو، به فساد و خویشاوندی متهم بود. در کشور مالی نیز فساد، ناامنی و عدم مشروعیت دولت در برگزاری انتخابات گذشته مالی از جمله دلایل کودتا نظامی در این کشور اعلام شد. تظاهرکنندگان در تظاهرات گسترده‌ای که در باماکو، در ۲۴ دی ماه ۱۴۰۰، در اعتراض به تحریم‌های اعمال شده علیه مردم مالی، تابلوهایی با مضمون «وای بر سرکوبگران مردم مالی، فرانسه، اتحادیه اروپا و جامعه اقتصادی غرب آفریقا» در دست داشتند.

بدیهی است که کودتاها ظرفیت یک کشور را برای حکمرانی شفاف و پاسخگو کاهش می‌دهد و یک چرخه معیوب ایجاد می‌کند. دولت‌های نظامی تمایل دارند که فرآیندهای شفافیت، پاسخگویی مشابهی با دولت‌های غیرنظامی نداشته باشند. در نتیجه، فضای جامعه مدنی بسته می‌شود. عوامل ساختاری و تاریخی در منطقه غرب آفریقا تأثیر منفی بر قابلیت‌های حکمرانی کشورها داشته است. این عوامل عبارتند از ساختارهای حکومتی به ارث رسیده از دوران استعمار، سیاست جنگ سرد و درگیری‌های قومی است. به همین دلیل، همواره روند تنش بین نیروهای مسلح با دولت‌های غیرنظامی از زمان استقلال همراه بوده است. روی هم رفته، اینها آسیب‌پذیری کشور را در برابر کودتا افزایش می‌دهد.

1. Good governance

حکمرانی خوب که با ویژگی‌هایی مانند مشارکت، شفافیت، پاسخگویی اثربخشی و کارایی و حاکمیت قانون تعریف می‌شود، الگویی برای توسعه پایدار انسانی با ساز و کار تعامل عملی سه بخش دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی است.

از اوایل دهه ۱۹۹۰، اکثر کشورهای آفریقایی، حداقل برخی از عناصر حکومت دموکراتیک را اتخاذ کردند، اما برخی کشورهای آفریقایی همچون مالی، بوركینافاسو و نیجر، از روند دموکراسی فقط انتخابات را اجرا کردند بدون اینکه سایر عناصر اساسی تر دموکراسی مانند دولت پاسخگو، مطبوعات آزاد، قوه قضاییه مستقل و آزادی تشکل برای اهداف سیاسی را در کشورشان ساری و جاری کنند. به عبارتی، نظام حکومتی حاکم در این کشورها به عنوان «نظام دو بنی، نظام ترکیبی، یا هیبرید رژیم» شناخته می‌شدند. آنها عناصر حکومت استبدادی را با عناصر حکومت دموکراتیک ترکیب می‌کردند.

عوامل متعددی موجب کمبود اعتماد مردم به دموکراسی می‌شود، در مقابل تمایل مردم به اقتدارگرایی و حکومت نظامی افزایش پیدا می‌کند. از جمله این عوامل: ۱. دولت‌های ضعیف و شکننده‌ای که قادر به تأمین کالاهای عمومی برای همه شهروندان نیستند. ۲. عدم اعتماد شهروندان به فرآیندهای نامشروع انتخاباتی؛ ۳. نخبگان سیاسی که از تأمین امنیت برای شهروندان ناتوان هستند؛ ۴. تلاش رهبری غیرنظامی برای ایجاد تغییرات غیرقانونی در قانون اساسی کشور که قدرت آنها را افزایش دهد (Obisie-Orlu, 2022). تمام این عوامل خلاء دولت‌های اقتدارگرا و نظامیان را در قدرت آشکارتر می‌کند، بطوریکه مردم این امید را داشته باشند که نظامیان توانایی حل مشکلی دارند که دولت‌های دموکراتیک ندارند.

ناتوانی دولت‌های دموکراتیک در مبارزه با شبه‌نظامیان، یکی از دلایلی است که ناکارآمدی دولت‌های پیشین مالی، بوركینافاسو و نیجر را آشکار و نیاز به روی کار آمدن نظامیان در رأس قدرت را در این کشورها بیشتر نمایان می‌سازد. برای مثال، حمله شبه‌نظامیان در بوركینافاسو در آبان ۱۴۰۰ منجر به کشته شدن ۵۳ نفر از جمله چهار غیرنظامی شد. این حادثه منجر به اعتراضاتی شد که در آن شهروندان خشم خود را از ناکامی روچ کریستین کابوره، رئیس‌جمهور سابق بوركینافاسو، در محافظت از شهروندان ابراز کردند (Ibid).

۲-۱-۶. افول دموکراسی

در برخی کشورهای آفریقایی دموکراسی مشروعیت دارد و در برخی کشورها دموکراسی رو به زوال است. مناطق غرب آفریقا و منطقه ساحل در حال گذراندن دوره‌ای از آشفتگی سیاسی و فروپاشی دموکراتیک هستند (Ajala, 2023). در چهار سال گذشته کشورهای غرب آفریقا (مالی، بوركینافاسو و نیجر) شاهد کودتای نظامی بوده‌اند و به نوعی دموکراسی در این کشورها به زوال رفته، زیرا دولت‌های غیرنظامی سقوط کرده‌اند و ارتش قدرت را در این کشورها در دست گرفته است. بر اساس گزارش آفروبارومتر^۲، مشروعیت

1. Hybrid Regime

نوعی ترکیبی از رژیم سیاسی است که غالباً در نتیجه گذار دموکراتیک ناقص از یک رژیم استبدادی به یک رژیم دموکراتیک ایجاد می‌شود. رژیم‌های ترکیبی ویژگی‌های خودکامگی را با ویژگی‌های دموکراتیک ترکیب می‌کنند و می‌توانند همزمان سرکوب‌های سیاسی و انتخابات منظم را باهم برگزار کنند.

۲. (Afrobarometer) یک شبکه تحقیقاتی آفریقایی، غیرحزبی و غیرانتفاعی است که دفتر مرکزی آن در کشور غنا می‌باشد. نظرسنجی‌های این مرکز، از طریق مشارکت مرکز توسعه دموکراتیک غنا، موسسه عدالت و آشتی در آفریقای جنوبی و موسسه مطالعات توسعه در دانشگاه نایروبی انجام می‌شود. موسسه دموکراسی، شهروندی و سیاست عمومی در آفریقا در دانشگاه کیپ تاون و گروه علوم سیاسی در دانشگاه ایالتی میسیگان شرکای فنی این مرکز هستند. بررسی‌های آفروبارومتر، در بیش از ۴۰ کشور آفریقایی انجام می‌شود. این مرکز اندازه‌گیری را از طریق مجموعه‌ای از مصاحبه‌های حضوری با نمونه تصادفی ۱۲۰۰، ۱۶۰۰ یا ۲۴۰۰ نفر در هر کشور به دست می‌آورد. از آنجایی که مجموعه استانداردی از سوالات را از نمونه‌های آماری خود می‌پرسد، می‌توان کشورها را به طور دقیق با هم مقایسه کرد.

و محبوبیت دموکراسی در آفریقا در بحبوحه کودتاهای نظامی، اعتراضات نسبت به فساد و حکومت داری ضعیف، در حال کاهش است. از سال ۲۰۲۰، هشت کودتای نظامی موفق در آفریقا، عمدتاً در غرب آفریقا و منطقه ساحل رخ داده است.

کاهش محبوبیت دموکراسی در کشورهای آفریقایی نتیجه بیکاری، خدمات عمومی ناکارآمد و رسوایی‌های دولتی (اختلاس و رشوه) در این کشورها بوده است. در نظرسنجی که مرکز آفریبارومتر از کشورهای مالی، بوركینافاسو و نیجر در سال ۱۴۰۱ انجام داد، میزان موافقت مردم برای مداخله ارتش در سیاست به این ترتیب می‌باشد، کشور مالی ۸۲٪ موافق و ۱۵٪ مخالف، کشور بوركینافاسو، ۶۶٪ موافق و ۳۱ درصد مخالف، کشور نیجر، ۶۷٪ موافق و ۳۰٪ مخالف بودند (Afrobarometer, 2024: 17).

جدول شماره ۴: وضعیت افول دموکراسی، نسبت موافق و مخالف مداخله ارتش در سیاست
(Afrobarometer, 2024: 9)

کشور	کودتا	جمع آوری داده	موافق مداخله ارتش در سیاست	مخالف مداخله ارتش در سیاست
مالی	۲۸ مرداد ۱۳۹۹ - ۳ خرداد ۱۴۰۰	تیر ۱۴۰۱	۸۲٪	۱۵٪
بوركینافاسو	۳ بهمن ۱۴۰۰ - ۸ مهر ۱۴۰۱	مهر و آبان ۱۴۰۱	۶۶٪	۳۱٪
نیجر	۴ مرداد ۱۴۰۲	خرداد ۱۴۰۱	۶۷٪	۳۰٪

ارتش مالی در ۳ خرداد ۱۴۰۰ کودتا کرد. با این حال طبق نظرسنجی که بعد از کودتا (تیر ۱۴۰۱) توسط مرکز آفریبارومتر انجام شده است. تنها ۳۹ درصد از مردم مالی دموکراسی را بالاتر از سایر اشکال حکومت‌داری ارزیابی کردند. محبوبیت دموکراسی در این کشور ۲۳ درصد نسبت به ۱۰ سال قبل کاهش یافته است (Afrobarometer, 2024: 9). ۸۲ درصد مردم مالی موافق مداخله نظامیان در سیاست هستند و در نظر سنجی که در بحبوحه کودتا (مهر و آبان ۱۴۰۱) از شهروندان بوركینافاسو انجام شده است، ۶۶ درصد موافق مداخله ارتش بوده‌اند، به عبارتی، مخالفت با حکومت نظامیان به طور چشمگیری در کشورهای مالی و بوركینافاسو (به ترتیب با ۴۰ و ۳۷ درصد) کاهش یافته است و اکنون به عنوان کشورهای پذیرنده حکومت نظامی به شمار می‌روند. در کشور نیجر که ۴ مرداد ۱۴۰۲ کودتا نظامی رخ داد، نظرسنجی قبل از کودتا یعنی در خرداد ۱۴۰۱ انجام شد.

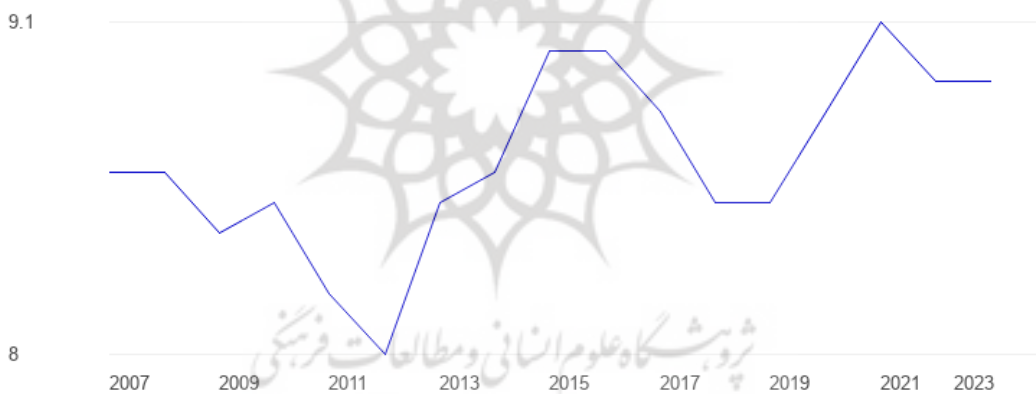
طبق این نظرسنجی ۶۷ درصد موافق مداخله نظامیان بوده‌اند. به طور کلی، از هر هفت شهروند مالی، یک نفر (۱۵٪) و از هر چهار بوركینافاسویی، فقط یک نفر (۳۱٪) مخالف اقتدارگرایی و مداخله ارتش در

سیاست هستند. در کشور نیجر نیز از هر چهار نفر فقط یک نفر (۳۰٪) با مداخله نظامیان در سیاست مخالف هستند؛ بنابراین، کشورهای منطقه ساحل آفریقا، کمتر به رژیم سیاسی اعتماد دارند و بسیاری از جوانان آفریقایی، بی‌کفایتی در حکومت‌داری و فساد را مرتبط به دموکراسی می‌دانند. از طرفی آناارشی و نا امنی موجب شده تا مردم این کشورها به سمت اقتدارگرایی متمایل شوند.

۶-۲. ارائه خدمات عمومی

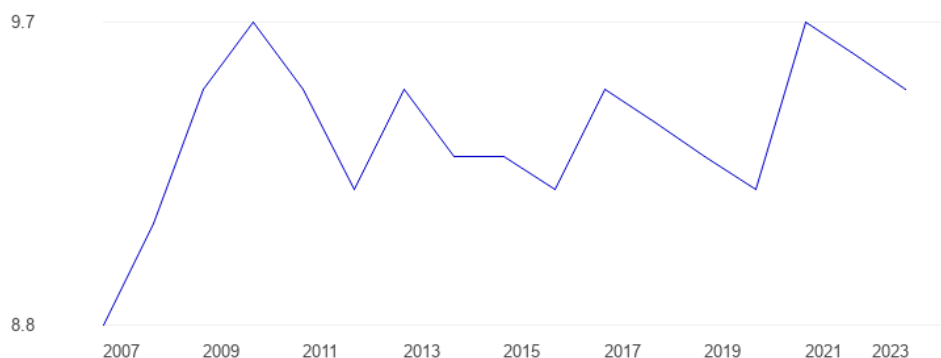
شاخص خدمات عمومی به وجود کارکردهای اساسی دولت اشاره دارد که در خدمت مردم است. ارائه خدمات ضروری مانند بهداشت، آموزش، آب و فاضلاب، زیرساخت‌های حمل و نقل، برق و اینترنت. از سوی دیگر، ارائه خدمات شامل توانایی دولت برای محافظت از شهروندان خود در برابر تروریسم و خشونت، از طریق نیروهای امنیتی کارآمد و موثر باشد. هر چه ارزش این شاخص بالاتر باشد، خدمات عمومی در کشور بدتر است (Theglobeconomy,A).

نمودار ارائه خدمات عمومی کشور مالی در طول ۲۰۰۷-۲۰۲۳

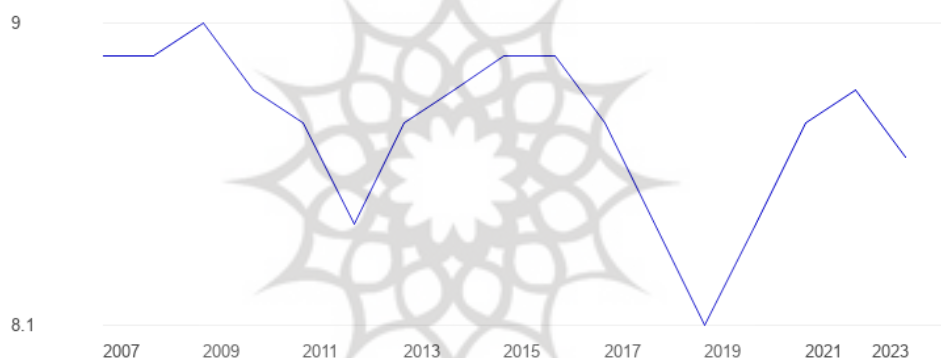


۴۰ درصد از جمعیت مالی زیر خط فقر زندگی می‌کنند و بودجه ملی که به خدمات اجتماعی اولیه اختصاص می‌یابد هر ساله کاهش می‌یابد. منطقه لیتاکو گورما، هم‌مرز با بورکینافاسو، مالی و نیجر، از نبود نهادهای دولتی، رقابت بر سر منابع طبیعی، فرصت‌های معیشتی محدود و خشونت گروه‌های مسلح رنج می‌برد (موقع مجموعه الأمم المتحدة للتنمية المستدامة، ۲۰۲۰). علل رشد درگیری و منازعات در داخل کشور به بحران مشروعیت دولت مرتبط است. دولتی که با این بحران مواجه شود، دولتی ضعیف به شمار می‌آید و برخلاف دولت قوی که توانایی تامین نیازها و خدمات اساسی را دارد، این نوع دولت توانایی ارائه خدمات عمومی را به شهروندان خود ندارد (tobie & grégory chauzal, 2018). بحران‌های سیاسی، امنیتی و انسانی در منطقه ساحل تعدادی از چالش‌ها را برای جمعیت و گروه‌های آسیب‌پذیر به‌ویژه در زمینه دسترسی به خدمات اولیه از جمله غذا، آب، بهداشت و آموزش ایجاد کرده است (موقع مجموعه الأمم المتحدة للتنمية المستدامة، ۲۰۲۰).

نمودار ارائه خدمات عمومی کشور نیجر در طول ۲۰۰۷-۲۰۲۳



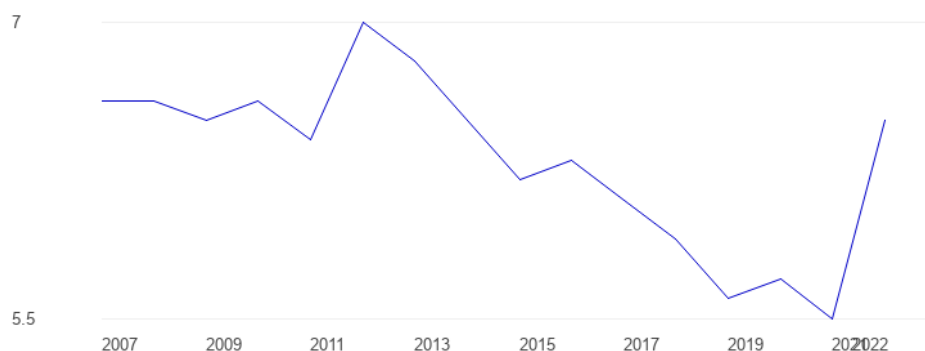
نمودار ارائه خدمات عمومی کشور بوركینافاسو در طول ۲۰۰۷-۲۰۲۳



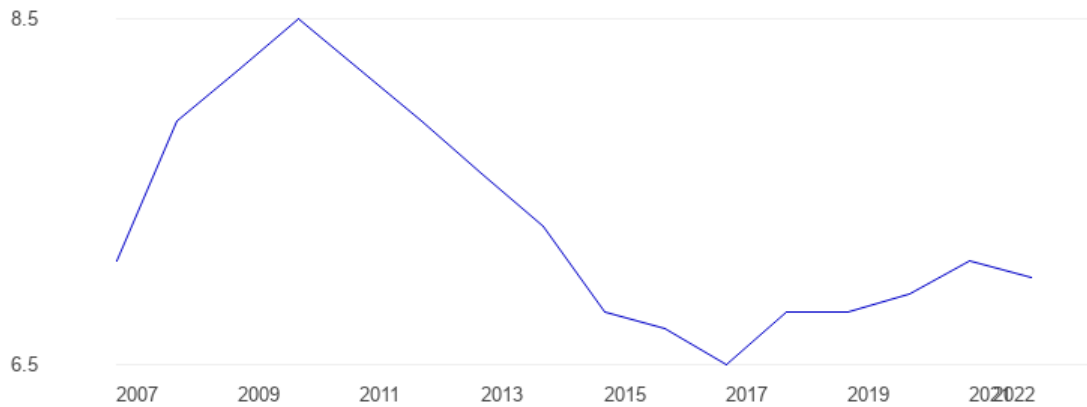
۳-۶. حقوق بشر و حاکمیت قانون

شاخص حقوق بشر و حاکمیت قانون، رابطه بین دولت و جمعیت آن را تا جایی که حقوق اساسی بشر حفظ شده و آزادی‌ها رعایت شود، مورد توجه قرار می‌دهد. هرچه ارزش این شاخص بالاتر باشد، حقوق بشر و حاکمیت قانون در کشور کمتر حمایت می‌شود (Theglobaleconomy,R).

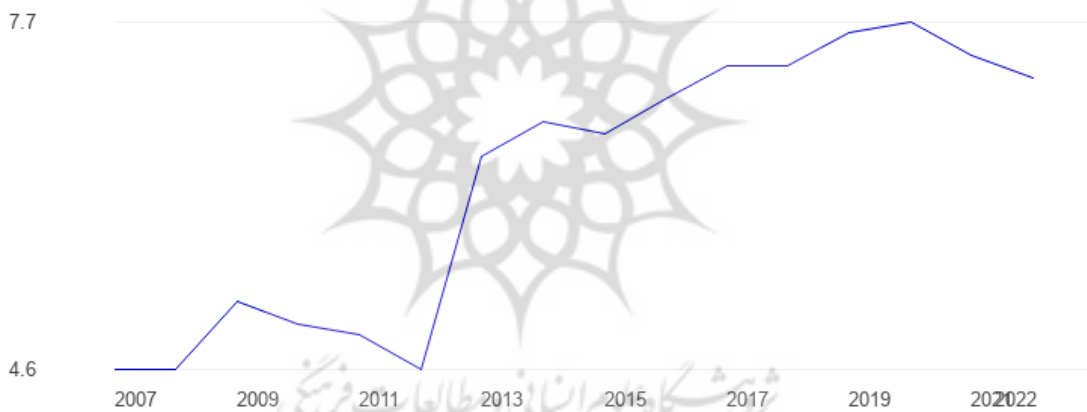
نمودار حقوق بشر و حاکمیت قانون کشور بوركینافاسو در طول ۲۰۰۷-۲۰۲۳



نمودار حقوق بشر و حاکمیت قانون کشور نیجر در طول ۲۰۰۷-۲۰۲۳



نمودار حقوق بشر و حاکمیت قانون کشور مالی در طول ۲۰۰۷-۲۰۲۳



مردم نیجر با ناامنی مداوم مواجه شده‌اند و معیشت آنها به دلیل ضعف حاکمیت قانون و خشونت بین‌جمعی که کل جوامع را آواره کرده است، دائماً در معرض تهدید قرار دارد. در شهر کوچک فایجی در منطقه دوسو نیجر، اختلافات محلی بین دامداران و کشاورزان بر سر رقابت برای منابع، تنش‌های قابل توجهی ایجاد کرده است. هنگامی که این درگیری‌ها تکرار شد، همزیستی مسالمت‌آمیز این جوامع را تهدید کرد (موقع مجموعه الأمم المتحدة للتنمية المستدامة، ۲۰۲۰).

یکی از عوامل اصلی عضوگیری و خشونت گروه‌های تروریستی، بی‌ثباتی حکومت‌ها و دولت‌های شکننده می‌باشد. به عنوان مثال مالی در سال ۲۰۲۰، بورکینافاسو در سال ۲۰۲۱ و نیجر در سال ۲۰۲۲ با کودتا مواجه شده و دولت‌های مستقر توسط نظامیان سقوط کردند. سقوط این دولت‌ها منجر به افزایش خشونت‌ها و ناامنی در مناطق مختلف این کشورها شده و گروه‌های جهادی و تروریستی از خلاء نبود یک دولت باثبات استفاده کرده و خود را به عنوان ناجی مردم این مناطق معرفی می‌کنند و از این طریق می‌توانند نیروهای بیشتری را عضو کنند.

نتیجه‌گیری

از جمله عوامل تأثیرگذار در شکنندگی دولت‌ها، شاخص‌های سیاسی است. بحران‌های سیاسی در چارچوب کودتاهای سریالی در منطقه غرب آفریقا رخ داده و موجب تغییرات ناگهانی در قدرت شده و همین امر باعث خلاء قدرت در سه کشور مالی، بوركینافاسو و نیجر شده است. با تجزیه و تحلیل بحران دولت‌سازی بویژه در کشورهای منطقه ساحل صحرای آفریقا، این نتیجه حاصل می‌شود که عدم موفقیت دولت‌سازی و عبور از شکنندگی دولت‌ها به چهار عامل مرتبط هستند که حول محور اختلاف بر سر قدرت، مبارزه برای قدرت، از دست دادن اعتماد به رهبری سیاسی و سپس فقدان فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی است. این عوامل منجر به ضعف و شکنندگی دولت ملی می‌شود.

در این نوع جوامع تعلق به قبیله بر تعلق به میهن و کشور ارجحیت دارد، مانند اقلیت طوارق که در پنج کشور توزیع شده است. (مالی، نیجر، لیبی، الجزایر، بوركینافاسو)؛ بنابراین تعلق به قبایل تأثیر منفی بر انسجام دولت ملی ایجاد می‌کند و در نتیجه بحران هویت و یکپارچگی، این کشورها را مستعد بحران دولت‌سازی در این منطقه از آفریقا می‌سازد. بحران دولت‌سازی در کشورهای مالی، بوركینافاسو و نیجر مرتبط به دولت‌های پیشین قبل از کودتا نمی‌باشد، بلکه شورای نظامی مستقر در این سه کشور که حکمران فعلی کشور محسوب می‌شوند، با این چالش و بحران روبه‌رو هستند. اگر رهبران فعلی کشورهای ساحل که اکنون «کونفدرال کشورهای ساحل» را تشکیل داده‌اند، در زمینه سیاسی و امنیتی شکست بخورند و ناکارآمدیشان همچون دولت‌های پیش از کودتا آشکار شود.

بحران‌های سیاسی و انسانی در این جوامع همانند گذشته گسترش خواهد یافت و فقر، ناامیدی، تنش‌های قومیتی، جدایی‌طلبی و افراط‌گرایی مذهبی در میان بخش‌های مختلف جامعه را به همراه خواهد داشت. ضعف الگوی دولت‌سازی در آفریقا به ظهور بازیگران غیردولتی کمک کرده است؛ زیرا گروه‌هایی وابسته به القاعده و داعش از خلاء امنیتی، اقتصادی و اجتماعی دولت‌های ضعیف و شکننده بویژه در منطقه ساحل صحرای آفریقا (مناطق که تروریست‌ها در آن نفوذ کرده‌اند)، استفاده کرده و توانسته در کشورهای مالی، بوركینافاسو و نیجر فعالیتشان را گسترش دهند.

در جمع‌بندی می‌توان گفت که کشورهای مورد مطالعه در شاخص سیاسی شکنندگی دولت‌ها وضعیت مناسبی ندارند (افول مشروعیت دولت، ارائه خدمات عمومی ضعیف به شهروندان و وضعیت نامناسب حقوق بشر و حاکمیت قانون در این کشورها حاکم است)، به همین دلیل رشد گروه‌های افراط‌گرا در این سه کشور فراگیر شده و در ضمن از عوامل رشد جریان‌های وابسته به داعش و القاعده در این نقطه از آفریقا، بحران‌های سیاسی موجود در این جوامع بوده است؛ بنابراین، میان رشد گروه‌های افراط‌گرا و شکنندگی دولت‌ها یک رابطه مستقیم وجود دارد، یعنی می‌توان ادعا کرد که بحران‌های سیاسی (از عوامل شکنندگی دولت‌ها) موجود در جوامع غرب آفریقا موجب رشد گروه‌های افراط‌گرا شده است و بالعکس، فعالیت گروه‌های تروریستی در این مناطق موجب رشد بحران‌های سیاسی شده است.

منابع

- عبد الحی عربی، عربی «التنظیمات الجهادية في دول الساحل الإفريقي المخاطر وآفاق المستقبل»، /https://www.dimensionscenter.net ، ۲۰۲۳/۱۲/۰۸
- موقع المركز العالمي لمكافحة الفكر المتطرف، «مخاطر الأوضاع الهشة في دول الساحل الأفريقي»، /https://etidal.org ، ۲۰۲۱/۰۶/۱۱
- موقع مجموعة الأمم المتحدة للتنمية المستدامة، «المجتمعات في بوركينا فاسو ومالي والنيجر تعالج الأسباب الجذرية للأزمة»، ۲۰۲۰/۰۲/۲۰، /https://unsdg.un.org

References

- Abdelhai Arabi (2023), "Jihadist Organizations in the African Sahel Countries: Risks and Future Prospects," 12/08/2023, <https://www.dimensionscenter.net/> [in Arabic]
- Afrobarometer (2024), "African insights 2024 Democracy at risk – the people's perspective", 2024, p:17, <https://www.afrobarometer.org/>
- Ajala, Olayinka (2023), "Understanding the Crisis of Democracy in West Africa and the Sahel", 19/10/2023, <https://www.gcsp.ch/>
- Brinkerhoff, D. W. (2010), Developing capacity in fragile states. Public Administration and Development: The International Journal of Management Research and Practice, 30(1), P:66
- Cafiero, Giorgio, "What Niger's coup means for Gulf states", 09/08/2023, <https://www.newarab.com/>
- Collier, Paul (2007), The Bottom Billion: Why the Poorest Countries Are Failing and What Can Be Done About It, p:27
- Country reports on Terrorism. (2012), Avalibal at: <http://www.state.gov/documents/organization/210288..> (Accessed on: 2014/12/12). P:4
- DFID (Department for International Development) (2005), Why We Need to Work More Effectively in Fragile States. London: DFID.
- DUMONT (2010), Gérard-François «La géopolitique des populations du Sahel», 07/04/2010, www.population-demographie.org.
- Fragile States Index. 2024. <https://fragilestatesindex.org/>
- Hoffman. (2007), A glossary of political theory, Edinburgh: Edinburgh, University Press. p: 92-93
- Nuruzzaman, Mohammed (2008), "Failed and Fragile States", in International Relations: Revisiting Issues and Rethinking Options, ACSP-CPSA, Vancouver. P:2
- Obisie-Orlu, Vincen (2022), "A snapshot of the roots of instability in West Africa", 13/04/2022, <https://gga.org/a-snapshot-of-the-roots-of-governance-instability-in-west-africa/>
- OECD (Organization for Economic Co-operation and Developmen (2011), International Engagement in Fragile States: Can't We Do Better? Conflict and Fragility. Paris: OECD Publishing.
- The website of the Global Center for Combating Extremist Ideology (2021), "Risks of Fragile Situations in the African Sahel Countries," 06/11/2021, <https://etidal.org/> [in Arabic]
- The website of the United Nations Sustainable Development Group (2020), "Communities

- in Burkina Faso, Mali and Niger Address the Root Causes of the Crisis,” 02/20/2020, <https://unsdg.un.org/> [in Arabic]
- Theglobaleconomy,A. "Public services index”, <https://www.theglobaleconomy.com/>
 - Theglobaleconomy,J “State legitimacy index”, <https://www.theglobaleconomy.com/>
 - Theglobaleconomy,R. “Human rights and rule of law index”, <https://www.heglobaleconomy.com/>
 - Theglobaleconomy,R. “Human rights and rule of law index”, <https://www.heglobaleconomy.com/>
 - Thomson, Alex (2006), Introduction to Politics and Government in Africa, p: 392
 - Tibi, Basam (1990), the simultaneity of the unsimultaneous: old tribes and imposed-nation-states in the modern middle east.in:Khoury, Philip. Joseph Kostiner(eds)Tribes and State Formation in the Middle East. University of California Press.p:127-128
 - Tobie, aurélien & grégory chauzal, “state services in an insecure environment: perceptions among civil society in mali”, 07/12/2018, <https://www.sipri.org/>

